

مرحوم امام خمینی هر چند مخالفت مذکور در روایات مورد اشاره را شامل انواع مخالفت‌ها (به تباین/عموم و خصوص من وجه/ عام و خاص مطلق/ مطلق و مقید) می‌داند؛ لکن به قرینه قطعیه خارجی صورتی که جمع عرفی میسر است - همانند دو مورد اخیر - آن را از مدلول نهایی احادیث خارج می‌داند.<sup>1</sup>

البته کلمات وی در این باره نامتلائم می‌نماید؛ با این توضیح که در بخشی از کلامش، موارد امکان جمع عرفی را از اول خارج از حوزه روایات می‌داند. مثال امکان جمع عرفی را هم مورد عام و خاص مطلق و مقید می‌داند، لکن در بخش دیگری از کلامش، موارد امکان را هم داخل در گستره روایات می‌داند و خروج را به دلیل قرینه قطعی خارجی مستند می‌کند.<sup>2</sup>

ضمناً ایشان روایات عرضه و طرح و روایاتی که در باب اخبار ترجیح در وقت تعارض گذشت (و دلالت بر ترجیح به موافقت با کتاب و سنت داشت) - همه را - حمل بر اشاره به بیان سنجه حجت از لا حجت می‌کند نه تمییز راجح بر مرجوح با فرض اعتبار هر دو.

توجه کنید :

«...و من هنا قد يقال : ان مفاد الطائفتين واحد و كانتا بصدد تمیيز الحجة عن غيرها و ليست موافقة الكتاب ايضاً من مرجحات احدى الحجتين و يحمل جميع روایات الباب على المخالفة بالتباين بقريئة صدور ما يخالف الكتاب بالعموم و الخصوص و الاطلاق و التقييد منهم بضرورة الفقه و إباء هذه الاخبار عن التخصيص و التقييد فالترجيح بعموم الكتاب و السنة اذا كانت النسبة بينهما و الكتاب و السنة العموم من وجه او المطلق لا دليل عليه فسقط هذا المرجح عن المرجحية هذا».<sup>3</sup>

در بخش نقد و بررسی، به نقد این سخنان می‌پردازیم.

محقق نائینی با گسست روایاتی که مسأله موافقت و مخالفت با کتاب الله را در وقت تعارض روایات از روایاتی که همین مسأله را فارغ از صورت تعارض مطرح می‌کند و با اشاره به این که روایات گروه اول در صدد بیان ترجیح و تمییز راجح از مرجوح (با فرض تمامیت حجیت هر دو دلیل متعارض) و روایات گروه دوم در صدد تمییز حجت از لا حجت هستند،<sup>4</sup> می‌فرماید:

1. الرسائل، ج 2، (التعادل و الترجيح)، ص 78 و 79.

2. همان.

3. همان، ص 78.

4. فوائد الاصول، ج 4، ص 790.

«... فالذی یكون من شرائط الحجية هو عدم مخالفة الخبر للكتاب بالتباين الكلي فانه هو الذی لا یمكن صدوره عنهم - صلوات الله علیهم - فیکون زحرفا و باطلا؛ فاذا كان الخبر أعم من وجه من الكتاب كان اللازم إعمال قواعد التعارض بينهما و لا یندرج فی قوله - علیه السلام - : «ما خالف الكتاب فهو زحرف» بل یقدم ما هو الاظهر منهنما، و الا فالتخیر أو الرجوع الی الاصل و كون الكتاب قطعی الصدور لایوجب تقدیمه علی الخبر بعد ما كانت دلالة علی العموم ظنية و أما الذی یكون مرجحا لأحد المتعارضین؛ فهو الموافقة و المخالفة للكتاب بالعموم من وجه و أما الموافقة و المخالفة بالعموم المطلق؛ فهي لیست من المرجحات ایضا لعدم المعارضة بین العام و الخاص كما تقدم بیانه فلو كان احد المتعارضین موافقا للكتاب و الآخر مخالفا له بالعموم و الخصوص، فاللازم هو الجمع بین الكتاب و بین الخبر المخالف له بتخصیص العام الكتابی بما عدا مورد الخاص الخبری أو تخصیص العام الخبری بما عدا مورد الخاص الكتابی. فالمخالفة بالعموم و الخصوص خارجة عن الطائفتین من الاخبار الواردة فی عرض الاخبار علی الكتاب...»<sup>5</sup>.

بیان محقق نائینی با سخن ذیل، مستندسازی شده و مورد تایید قرار گرفته است :

«و یؤید ذلك : هو ان المذكور فی روایات عرض الاخبار علی الكتاب عنوان «المخالفة» و الظاهر من المخالفة بقول مطلق هو المخالفة بالتباين. و المراد من قوله - علیه السلام - فی بعض الاخبار : «ما لایوافق قول ربنا فهو زحرف» هو المخالف لقول الله تعالی بقرینة الاخبار الاخر. و هذا بخلاف الروایات الواردة فی ترجیح احد المتعارضین علی الآخر، فانه لم یذكر فیها عنوان المخالفة بقول مطلق، بل اقتصر فی بعضها علی عنوان «الموافقة» كقوله - علیه السلام - : «خذ بما وافق الكتاب» و فی بعضها جمع بین الموافقة و المخالفة کلینهما، كقوله : «خذ بما وافق الكتاب و اترك ما خالفه» و تصدق المخالفة فی مقابل الموافقة علی الموافقة بالعموم من وجه، لان المراد من المخالفة هو عدم الموافقة و الاعم من وجه لا یكون موافقا للكتاب؛ فتأمل»<sup>6</sup>.

5. همان، ص 791 و 792.

6. همان، پورقی ص 791.